دستكاري قانون اساسي غلط است

ایسنا: یک مدرس حقوق دانشگاه اظهار داشت: قوانین عادی

درست یا غلط باید بر اساس اصول و ضوابط پیش بینی شده در قانون اساسی مورد بررسی و تصویب قرار گیرد و دستکاری

قانون اساسي براي تصويب يک لايحه يا قانون عادي غلط و

نادرست است . حسین عسگری راد خاطرنشان کرد: هنگامی

که قانونی وضع می شود و شرایط متعددی را برای حضور افراد

ر انتخابات ریاست جمهوری پیش بینی می کند، دایره ورود

فراد محدودتر مي شود و اين سبب محدود شدن حق مشاركت

مردم در انتخابات خواهد شد. این حقوقدان ادامه داد: در

هیچیک از اسناد بین المللی که ایران به آنان پیوسته و در

میچکدام از اسناد حقوق بشری چنین استانداردهای مشکلی

وجود ندارد که سبب محروم شدن جمعی از مردم از حضور

در انتخابات شود. ارائه مداركي -كه جنبه علمي دارد- براي

ین امر مفید است اما گرفتن گواهی و تاییدیه از مراجع به

حصوص به معنى مديون كردن داوطلبان به اشخاص و مقامات

ست. عسگری راد درباره بحث ساماندهی گزارشهای

ردمی در بررسی صلاحیتها و استفاده از نیروی مقاومت

سیج در هر حوزه انتخابیه گفت: آنچه برای تعیین صلاحیت

داوطلبان مهم است عینی و مستند بودن ضوابط و معیارهای

شخص شده است. مراجع احراز این امر در هر کشوری

مشخص است. نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات دو

رجعی هستند که دسترسی به سوابق و وضعیت افراد را به عهده

دارند بنابراین پیش بینی مراجعی نظیر بسیج که دارای چنین

نخصص و صلاحيتي نيست نافي حقوق شهروندي است.

می تواند اقرار نکند و کسی هم نمی تواند او را ملزم به اقرار کند .

🗕 خبرها 🔲

آپارتمانی برای دو نفر

سعيد دهقان

سامان ص. از تهران: چند سال قبل به اتفاق همسرم آپارتمان کوچکی به نسبت مساوی (سهدانگ – سهدانگ) خریداری کردیم. متاسفانه به علت اختلافات خانوادگی، ازدواج ما سه ماه قبل به جدایی منجر شد. در حال حاضر همسرم منحصراً از آپارتمان استفاده و از ارائه اسناد و مدارک مربوط به آپارتمان خودداری می کند. او مدعی است که اسناد، مفقود شدهاند؟ چگونه مي توانم سهم خودم را از وى جدا كنم؟ و تكليف سكونت ايشان در سهم اينجانب

وکیل شرق: در مورد اسناد و مدارک باید بگویم در صورتی که امکان به دست آوردن آن از طرق مسالمت آمیز فراهم نشد، می توانید با طرح دعوای «استرداد مدارک» از طریق دادگاه آنها را مطالبه کنید و در صورت صحت ادعای ایشان در مورد مفقود شدن مدارک از اداره ثبت مربوطه تقاضای صدور سند المثني كرده و در مورد جدا كردن سهم خود نيز شما مى توانيد از همان مرجع افراز سهم خويش را تقاضا كنيد. البته با توجه به اينكه امكان افراز آپارتمان كوچك بعيد به نظر مى رسد، اگر اداره ثبت عدم امكان افراز را اعلام كرد، لاجرم برای تقسیم سهم باید ملک به فروش برسد و در طی این مدت شما می توانید اجرت المثل ایام تصرف ایشان را در سهم خودتان از طریق دادگاه با تقدیم دادخواست مطالبه نمایید. دادگاه معمولاً با جلب نظر کارشناس میزان اجرت المثل را تعيين و متصرف را به پرداخت آن محكوم

عاقبت شهادت دروغين

م. م. از تهران: آیا شهادت دروغ در همه حال یک مجازات دارد؟ مثلاً فردي در نزاع دسته جمعي شهادت دروغ مي دهد، با کسی که در پرونده ای که در دادگاه حقوقی مطرح است شهادت دروغ می دهد، یک حکم دارند؟ چندی پیش با علم به دارابودن همکارم، برای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی و عدم تمکن مالی اش در گرفتن وکیل و ذیحق دانستن وی در اخذ وكيل معاضدتي، شهادت دروغ داده ام! حالا اگر دروغ من آشکار شود، چه حکمی در انتظارم هست؟

وکیل شرق: نیازی به توضیح نیست که شهادت دروغ – چا در دادگاه اعم از کیفری و حقوقی و چه در سایر مراجع-کاری ناپسند و غیراخلاقی است. هیچ دین و مکتبی و ی فرهنگی- ولو بی دین- شهادت دروغ را اخلاقی نمی داند. بنده که معلم اخلاق یا متخصص دین نیستم، بهتر است منحصراً از همان زاویه حقوقی به شما بگویم که مرتکب جرم هم شده اید. در قانون مجازات اسلامی برای شهادت دروغ سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا یک میلیون و پانصد هزار ریال تا ۱۲میلیون ریال جزای نقدی به عنوان مجازات تعیین شده است(ماده ۴۵۰) که در مورد شهادت دروغ در مورد اعسار نيز مطابق ماده ۳۰ قانون اعسار ، همان مجازات

Vakilroaya@gmail.com

در گفت وگو با دکتر غلامعلی سیفی استاد حقوق مدنی دانشگاه شهید بهشتی

مالکیت ادواری نیازمند قانون و آئیننامه است

شرق: با گسترش روابط و تعاملات افراد، گرایش های جدیدی در حوزه حقوق ایجاد شده اند و به فراخور نیازها ، نهادهای نوین حقوقی پدید آمدهاند. یکی از این نهادهای مدرن، تایم شرینگ [Time Sharing] یا مالکیت ادواری است. برای شناخت بیشتر این تاسیس حقوقی با دکتر غلامعلی سیفی استاد دانشگاه شهيد بهشتي و وكيل پايه يك دادگستري به گفت وگو نشسته ايم.

■آقای دکتر تعریف شما از تایم شرینگ چیست؟ تايم شرينگ يک نهاد حقوقي جديد است که به موجب آن اشخاص می توانند از عین یا منفعت مالی به طور ادواری و در زمانهای معینی برای مدتی نامحدود یا برای مدتی تعیین شده و طولانی استفاده کنند. مثالاً در حالت اول «مالکیت» یک «سوئیت» برای مدت ۱۵ روز در سال الی الابد به شخصی واگذار می شود و هرکدام از مالکان دورهای ، در زمان اختصاص یافته به خود مالک عین سوئیت به طور اختصاصی و مالک مشاعات به طور اشتراکی می شوند. اما در حالت دوم محل سكونت مورد بحث با همان بازه زماني ١٥ روز فرضاً به مدت ۳۰ سال به شخص واگذار می شود. حالت اخیر در حقوق ايران بدون شک به عنوان عقد اجاره تحليل مي شود.

■بنابراین، به نظر شما بین این نهاد و عقود معین کلاسیک

در فرضی که منفعت مال در دوره محدودی از زمان و برای مدت چند سال واگذار شود، قرارداد اجاره است، اما در فرضي که عین مال الی الابد و برای دوره زمانی محدود واگذار می شود نمي توان با قاطعيت عقد مزبور را بيع توصيف كرد . چرا كه در بیع مالکیت به طور دایمی واگذار می شود و خریدار بعد از عقد بيع پيوسته مالک عين مال خواهد بود و طبق قاعده تسليط حق همه گونه بهره برداری و انتفاع از مال را دارد. از منظر حقوقی حتى مى تواند مال خود را از بين ببرد . در حالى كه در فرض ياد شده مالکیت پیوسته نیست و نیز تسلط واقعی بر مال وجود

با توجه به بررسی های به عمل آمده خاستگاه اصلی این نهاد ايالات متحده (نظام حقوقي كامن لا) است و بعدها توسط کشورهای اروپایی از این نظام تبعیت شده است. اگرچه در سالهای دور دست نیز نهادهای مشابه در نظامهای حقوقی مورد استفاده بودند به عنوان مثال در نظام فقهی ما تاسیس تقسیم منافع به «مهایات» دیده می شود که طبق آن به عنوان مثال مالکین یک حلقه چاه منافع خود را از آب بر مبنای زمان، بین خود

■ ابتكار اين نهاد متعلق به كدام كشور و نظام حقوقي است؟

تقسیم می کنند. با این تفاوت که در «مهایات» مالکیت از نوع

مشاع است . اما در تایم شرینگ مالکیت از جنس مشاعی

■شما با توجه به وضعیت فرهنگی مردم ایران، پیش بینی مي كنيد اين نهاد تا چه اندازه اي مورد استقبال قرار گيرد؟ هرچند که استفاده از تاسیس حقوقی تایم شرینگ مانع از معطل ماندن اموال مي گردد و موجب مي شود كه املاك و اموالی که همواره مورد استفاده نیستند در مقاطع زمانی مختلف بهرهبرداری شوند، اما نظر به ابعاد روانی مالکیت و احساس دائمی بودن آن- به ویژه نسبت به محل های مسکونی- تصور می کنم که مردم ما استقبال شایان توجهی از این تاسیس مفید نکنند و اثر این نهاد در ذهن مردم به جای مفهوم مالکیت، مفهوم

استفاده موقت غيرمالكانه باشد. آیا استفاده از این نهاد حقوقی به صورت پیشرفته تجربه

تا آنجا که بررسی شده است در برخی کشورهای صنعتی به ویژه در ایالات متحده در املاک تفریحی و ویلایی کاربرد مفید داشته است ولی حقیقت این است که این نهاد در آن کشور نيز مورد توجه و اقبال عمومي مناسب قرار نگرفته است . با توجه به پاسخ های شما به نظر می رسد استفاده از این

نهاد عملاً مختص به گردشگری و املاک تفریحی با کاربری

به نظر نمی آید که استفاده از این نهاد مختص گردشگری باشد و می توان در سایر حوزههای مالکانه نیز مورد بهره برداری باشد. بدیهی است در مواردی که استفاده برای اقامت نباشد قضیه از لحاظ حقوقی پیچیده تر خواهد بود. اما بی تردید در مورد استفاده از ماشين آلات، اموال منقول غيرشايع يا برخي

سكونت موقت است، آيا واقعاً اين طور است؟

تجهيزات گران قيمت مي توان به اين نهاد توجه ويژه داشت. ■ آیا در حال حاضر این نهاد در ایران تحت شمول قانون یا آیین نامهای قرار می گیرد؟

مع الاسف تاكنون در كشور ما قانون و حتى آيين نامهاي به ماهیت این عقود نپرداخته و احکام آن همچنان در هالهای از ابهام باقی است. از آنجا که تاسیس حقوقی مزبور در برخی نقاط ايران عملاً رايج شده و از طرفي عقود معين كلاسيك (بيع، اجاره) به هیچ نحو پاسخگوی مسائل مربوط به تایم شرینگ نيست، لذا انتظار داريم قانونگذار ايران با تدوين قانوني ماهيت این قرارداد را تعیین کند. در وضعیت فعلی این قرارداد یک عقد غیرمعین و در چارچوب ماده ۱۰ قانون مدنی است. وضع قانون خاص و روشن كردن مسائل «تايم شرينگ» باعث خواهد شد كه نظرات معارض بروز نكند و حقوق و تكاليف طرفين قرارداد تایم شرینگ در چارچوب قرارداد معتبر قابل بررسی باشد.

بخشنامه مشكل ساز دادگستري براي تشخيص دعاوي مالي

هزينه دادرسي مي بايست براساس آن مطالبه شود. اما بنا به حميدرضا سلمانيان *: هر چنداصل ۱۶۶ قانون اساسي و ماده صراحت بند چهار ماده مرقوم چنانچه دعوى «راجع به اموال» ۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب عنوان داشته است باشد، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین «احکام و قرارهای دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشد» اما بنا به حکم عقل می توان چنین استنباط کرد که از بدو می کند. بنابراین غیر از مواردی که خواسته به طور قطعی وجه رایج ایران است در سایر دعاوی که به منظور تحویل، تسلیم یا مراجعه افراد به محاکم تا ختم آن در هر زمینه ای که تکلیفی بر استرداد اموال مطرح مي شود، ارزش واقعى مال مورد نظر قانونگذار عهده اصحاب دعوا گذارده می شود می بایست چاشنی استدلال نبوده و آنچه که خواهان تقویم کند محکمه را - بی آنکه حق تعرضی و توجیه منطقی و قانونی را نیز به همراه داشته باشد. در دعاوی نسبت به ارزش اعلامي از سوي خواهان داشته باشد- مكلف به مدنی اولین اقدامی که خواهان می بایست به منظور به جریان رسیدگی می کند. اما متاسفانه مدتی است که برخی محاکم با انداختن دعوي خويش انجام دهد موضوع «ابطال تمبر هزينه ورود به بحث مالی چنان اصراری بر آن دارند که گویی به اداره دادرسی » است که متعاقب «مالی یا غیرمالی » دانستن دعوی میزان آن مشخص می شود . در سابقه قانونگذاری هیچ گاه شاهد دارایی مراجعه شده است . مشکل آنجا است که در قدمی فراتر از قانونگذار - که اجازه تقویم و ارزیابی دعاوی مالی را به خواهان تعریفی جامع و مانع از دعاوی مالی یا غیرمالی در قانون آئین دادرسی مدنی نبوده ایم . سکوت مقنن در این زمینه منطقی به داده است – دعاوی ای که فی نفسه غیرمالی است با استناد به نظر می رسد، زیرا آئین دادرسی ناظر بر شیوه رسیدگی محاکم بخشنامه یا به عبارت گویاتر دستوری که در اختیار مدیران دفاتر جهت تحقق دادرسي عادلانه و كاملاً متمايز با بحث مالي دولت قرار گرفته است، مالی قلمداد و ارقامی جهت ابطال تمبر به است. از همین رو است که قانون وصول برخی از درآمدهای خواهان ابلاغ می شود که صرف نظر کردن از طرح دعوی جایگزین ادامه آن می شود . خواهانی را تصور کنید که برای استرداد لاشه دولت و یا بودجه در زمینه هزینه دادرسی تعیین تکلیف کردهاند. آئین دادرسی در ماده ۶۲ شقوق کلی دعاوی را در ارتباط با بهای یک فقره چک بیست میلیون تومانی خویش به محکمه مراجعه کرده و قرارداد منعقده نیز حکایت از «یدامانی» خوانده بر چک خواسته و هزینه دادرسی پیش بینی کرده است. مستفاد از آن چنین موصوف دارد . رقمی که مدیر دفتر دادگاه به منظور دریافت هزینه است که چنانچه خواسته پول رایج ایران باشد، بهای خواسته و

دادرسی به وی ابلاغ می کند ۳۹۵ هزار تومان است. هنگامی که استدلال را جویا می شویم به صرف اظهار اینکه بخشنامه شده است باب هرگونه استدلال بسته شده و گویا بخشنامه یا دستور قوى تر از استدلال قانوني پنداشته مي شود. در حالي كه همگان می دانند خواسته خواهان در چنین دعوایی عبارت است «استرداد لاشه چک»که با توجه به قوانین حاکم یا خواهان ذیحق قضیه است و دادگاه نسبت به صدور حکم مبنی بر استرداد لاشه چک اقدام می کند و یا دعوی وی رد می شود . چنانچه خواهان محکوم له واقع یا برنده دعوی شود، آنچه که احتمالاً از حکم صادره عاید وی می شود یک برگ چک است نه آنکه خوانده محکوم بـه پرداخت رقم بیست میلیون تومان وجه رایج در حق خواهان شود . اما چنانچه خوانده در دفاع خود به رقم مندرج در چک، ادعای حقی کند قطعاً می بایست «دادخواست تقابل» به دادگاه تقدیم و ادعای خود را به اثبات برسانند که در این فرض نیز محکمه هزینه دادرسی را براساس رقم ادعایی وصول می کند . مشكل وقتى دوچندان مى شود كه برابر قانون باب هرگونه نظارت و استفاده از دانش و تجربه محاكم عالى نيز در قضيه مسدود است . مدیر دفتری که تحت ریاست قاضی دادگاه به انجام امور اقدام می کند، طبعاً و قانوناً در چنین مواردی براساس نظر رئیس دادگاه و بخشنامه صادره دعاوی را مالی یا غیرمالی اعلام

مي كند. بنابراين چنانچه خواهان بر موضع خويش دائر بر غیرمالی بودن اصرار ورزد و دفتر دادگاه نیز دعوی را مالی قلمداد کند، نهایتاً قرار «رد دادخواست» از سوی مدیر دفتر دادگاه صادر می شود که مرجع اعتراض آن رئیس همان دادگاه بوده و تصمیم وی نیز در این زمینه قطعی است. از ملاک و همچنین روح قانون می توان استفاده کرد و به این سیر قانونی ایراد وارد كرد يعني حتى در حالتي كه مدير دفتر نظر و استدلال خواهان را بپذیرد مشکل رفع نمی شود زیرا به موجب ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتي كه كامل باشد با صدور دستور تعيين وقت به دفتر اعاده می کند. بنابراین در این مرحله دادرس ناچار از اظهارنظر خویش نسبت به مالي يا غيرمالي بودن دعوي مي شود و پرونده را جهت تکمیل هزینه دادرسی به دفتر دادگاه برمی گرداند. در فرضی که خواهان مدعی غیرمالی بودن دعوی باشد و از پرونده رفع نقص نکند، مرجع اعتراض به قرار رد دادخواستی که مدیر دفتر دادگاه صادر می کند خود دادگاهی است که قبلاً طبق ماده ۶۴ اظهارنظر كرده است . اين مي تواند مصداق بند د ماده ٩١ قانون آئین دادرسی مدنی باشد.

* وكيل پايه يك دادگستري

ابلاغ موضوع بازداشت به متهم الزامي است يسنا: مدير كل حقوقي سازمان قضايي نيروهاي مسلح با تاكيد بر این که متهم حق دارد از اتهامش مطلع باشد، گفت: فرد بازداشت شده حتماً باید از موضوع برگ جلب خود خبر داشته باشد. یزدانیان در میزگرد «بررسی حقوق متهم در دادسرا و دادگاه» در سازمان قضایی نیروهای مسلح به اصل ۳۲ قانون ساسی به عنوان اصل دیگری که به حقوق اساسی متهم توجه دارد اشاره كرد و افزود: در اين اصل بحث حق اطلاع متهم از اتهام و دلایل آن مطرح می شود اصلی که بسیار مهم است و در مواردی مورد تعرض قرار می گیرد. مدیرکل حقوقی سازمان فضایی نیروهای مسلح گفت: بحث حق برخورداری از حامی و پشتیبان دفاعی به معنای خاص حقوقی ، حق برخورداری از وكيل مدافع در مرحله دادسرا و دادگاه است كه به صورت عام و مطلق ذكر شده است. يزدانيان اصل ٣٨ قانون اساسى ناظر بر حقوق دفاعی متهم را به عنوان یکی دیگر از اصول حمایت از حقوق متهم برشمرد و تصريح كرد: ظاهر الفاظ اين اصل، ناظر ر ممنوعیت شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع از متهم ست که می توان از این اصل تاسیس حقوقی پیشرفته که امروزه در قوانین بسیاری از کشورها مورد بحث قرار می گیرد به عنوان حق عدم اعتراف متهم به رفتار غیرقانونی خود در نزد ماموران كشف جرم و حتى مقامات قضايي ذكر كرد؛ در اين اصل منوعیت شکنجه برای اخذ اقرار مورد تاکید قرار گرفته که استنباط می کنم زمانی که اصلاً شکنجه برای گرفتن اقرار باشد متهم

